

# بررسی اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی، با تأکید بر متغیرهای مرسوم در مدل رشد (مورد کشورهای در حال توسعه)

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۱/۱۹

تاریخ تایید: ۸۶/۰۸/۱۴

حمید ابریشمی

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

محسن مهرآرا

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

علیرضا تمدن‌نژاد

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

## چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی اثر آزادسازی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با استفاده از یک مدل پانل نامتوازن طی دوره (۲۰۰۳-۱۹۸۵) می‌باشد. برای این منظور علاوه بر متغیرهای مرسوم در مدل رشد مانند سرمایه‌گذاری فیزیکی، سرمایه انسانی، جمعیت کل از متغیرهای کنترل شامل نسبت واردات و صادرات به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. بررسی‌ها نشان‌دهنده رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی با رشد اقتصادی است. اما متغیرهای تجاری به عنوان شاخص آزادسازی، اثرات با اهمیتی (به لحاظ اندازه) بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در طی دوره نمونه نداشته‌اند. در این میان متغیر جمعیت کل، بیشترین تأثیر منفی را بر رشد اقتصادی این کشورها به‌جای گذاشته است.

واژگان کلیدی: آزادسازی تجاری، رشد اقتصادی، کشورهای در حال توسعه، پانل

طبقه‌بندی موضوعی: F12; F17; F13

## مقدمه

یکی از موضوعات مهم در ادبیات اقتصاد بین‌الملل، بررسی رابطه رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل است. آیا تجارت خارجی می‌تواند نیروی محرکه رشد و توسعه یک کشور باشد؟ یا برعکس فرامین مزیت نسبی با نیازهای رشد و توسعه شتابان ناسازگار است. به طور کلی مسئله اصلی و مهم این است که چه کشورهایی قادر خواهند بود که از روند جهانی شدن اقتصاد - که اجتناب‌ناپذیر نیز می‌نماید بهره‌گیری بیشتری بنمایند.

در دهه گذشته، جهان شاهد تغییراتی اساسی در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کشورها بوده است. تأکید بر آزادسازی اقتصاد و حذف موانع بر سر راه جریان کالاها، خدمات و سرمایه بین‌المللی،

محدود شدن مداخله‌های اقتصادی دولت‌ها و حرکت به سوی نظام بازار آزاد از مشخصه‌های برجسته این تحولات است. یکی از موضوعات مورد توجه طرفداران تجارت جهانی، مسئله ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و حرکت در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است. بدین ترتیب در راستای تحقق اهداف تجارت آزاد جهانی بر اساس رقابت اقتصادی، پس از فراز و نشیب‌هایی سرانجام توافق‌هایی تحت عنوان موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) در سال ۱۹۴۷ میلادی میان تعدادی از کشورها به امضاء رسید<sup>۱</sup> و حوزه عمل این موافقت‌نامه (و سازمان تشکیلاتی آن) چه به لحاظ حجم تجارت و تعداد کشورهای توافق‌کننده رفته رفته رو به فزونی گذاشت به نحوی که به عنوان نمونه حیطه عمل سازمان تجارت جهانی (WTO) به کشاورزی، حقوق، مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری نیز گسترش یافته و تعداد اعضای این سازمان از ۱۰۸ عضو در سال ۱۹۹۴ به ۱۴۴ عضو در سال ۲۰۰۱ رسیده است. هم‌اکنون نزدیک به ۹۵٪ از حجم تجارت جهانی در اختیار کشورهای این سازمان می‌باشد.<sup>۲</sup> بدین لحاظ چنین استنباط می‌گردد که حضور در بازارهای جهانی به صورت دائمی و ایجاد اشتغال، تولید و درآمد بالا و ارتقاء سطح رفاه جامعه اساس و پایه اهداف و سیاست‌های گات و سازمان تجارت جهانی (WTO) می‌باشد.

بنابراین همواره این سؤال اساسی پیش روی کشورهای در حال توسعه بوده که آیا فرآیند آزادسازی تجاری توانسته تأثیر مثبت خود را بر جای گذارد؟ مرور خلاصه ادبیات باز بودن و آزادسازی تجارت و رشد اقتصادی به یک نکته مهم تأکید می‌نماید، که علی‌رغم وجود ادبیات گسترده در این رابطه، این مباحث به معنی حل کامل مشکلات نبوده است. بسیاری از مطالعات بیانگر رابطه مثبتی بین معیارهای متعدد آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی است. اما هنوز معایبی در آن وجود دارد. نواقص متدولوژیکی سبب گردیده تا جهت بررسی چنین رابطه‌ای از طریق آزمون‌های علمی مشکلاتی به وجود آمده و همچنین در تجزیه و تحلیل داده‌های بخشی نتایج متناقض و یا مبهمی حاصل گردد. بنابراین تمامی تلاش این تحقیق و سایر مطالعات در این زمینه برای پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که آیا آزادسازی تجاری باعث بالا رفتن رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می‌شود؟

در بخش دوم این مقاله به بررسی ادبیات نظری و تاریخیچه آزادسازی تجاری و اثر آن بر رشد اقتصادی پرداخته شده است. بخش سوم مقاله به مرور ادبیات تجربی در داخل و خارج کشور اختصاص یافته است. در بخش چهارم ضمن معرفی داده‌ها و ارائه متدولوژی تحقیق به برآورد الگو و تحلیل نتایج تجربی می‌پردازیم. در بخش پنجم مباحث مذکور را جمع‌بندی کرده و از آنها نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۱- بهکیش، محمد مهدی، ۱۳۸۱.

۲- ایروانی، جواد، ۱۳۸۳.

## ۱- مبانی نظری

### ۱-۱- نظریه تجارت بین‌المللی و تجربه رشد

نقش تجارت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، موضوعی است که قبل از ارائه مدل خود به شرح آن می‌پردازیم. صادرات محصولات اولیه به طور سنتی، عمدتاً سهم قابل توجهی از GNP را شامل می‌گردد. در کشورهای تولیدکننده نفت من جمله ایران، فروش محصولات نفتی پالایش شده و نشده به کشورهای جهان، بیش از ۷۰ درصد درآمد ملی آنها را شامل می‌شود. به جز کشورهای تولیدکننده نفت و کشورهای تازه صنعتی شده (NIGs) به هر حال اغلب کشورهای در حال توسعه جهت تحصیل درآمدهای ارزی باید به صادرات محصولات اولیه غیرمعدنی اتکاء داشته باشند. در کنار وابستگی صادراتی کشورهای در حال توسعه، این کشورها به واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات، کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای مصرفی برای تقویت و گسترش نظام صنعتی و پوشش احتیاجات مصرفی فراینده شهروندان خود نیاز دارند. کشورهای در حال توسعه با باز کردن اقتصادهای خود نه تنها موجب انتقال کالاهای خدمات و منابع مالی کشورهای صنعتی به کشورهای خود می‌شوند بلکه همچنین آثار توسعه‌ای یا ضد توسعه‌ای حاصل از انتقال فن‌آوری‌ها و الگوهای مصرف این کشورها را نیز وارد می‌کنند. اثر چنین انتقالات فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر فرآیند توسعه می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اینکه فرآیند توسعه کشورهای در حال توسعه با نگرشی رو به بیرون و سیاست توسعه صادرات آن طور که حامیان تجارت آزاد و طرفداران فرهنگ بین‌الملل تجویز می‌کنند بهبود یابد معلوم نیست. همچنین روشن نیست نگرشی به درون و سیاست جایگزینی واردات آن طور که معتقدین به حمایت از صنوعات داخلی و ملی‌گرایان فرهنگی پیشنهاد می‌کنند توسعه اقتصادی را پیش روی این کشورها قرار دهد.

انتخاب هر یک از این دو نگرش تا حد زیادی به طبیعت ساختار سیاسی، اجتماعی و نهادی کشور و اولویت‌های توسعه بستگی دارد. لذا نگرش توأمان و همزمان به درون و بیرون در سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل، می‌تواند به عنوان راه‌حل بدیل به جای دیدگاه صرفاً متکی به داخل یا خارج مطرح باشد. اما به هر حال باید گفته شود که برخی کشورهای در حال توسعه قدرت انتخاب اندکی در مورد داشتن یا نداشتن تجارت دارند، زیرا آنها باید تجارت کنند، وضعیت داخلی و همچنین بین‌المللی، این انتخاب را بر اغلب کشورهای کمتر توسعه یافته تحمیل می‌کند.

## ۱-۲- مبانی نظری رابطه تجارت و رشد اقتصادی

تفسیر سنتی اقتصاددانان کلاسیک، این است که تجارت خارجی می‌تواند نیروی سوق دهنده رشد و توسعه اقتصادی باشد. هلامینت<sup>۱</sup>، نظریه تجارت بین‌الملل کلاسیک‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. نظریه روزه‌های برای مازاد؛

۲. نظریه هزینه نسبی ایستا؛

۳. نظریه بهره‌وری پویا.

بر اساس نگرش روزه‌های برای مازاد، از آنجا که زمین و نیروی کار در بخش کشاورزی و صنعتی کشورهای رو به توسعه به طور بهینه و کامل مورد اسفاده قرار نگرفته است، با گسترش روابط تجاری این دسته از کشورها خواهند توانست، ظرفیت‌های بیشتری برای تولید فرآورده‌های کشاورزی ایجاد و بدون کاهش مصرف داخلی، مازاد آنها را صادر کنند. بدین ترتیب امکان ورود کالاها صنعتی و دیگر فرآورده‌های مورد نیاز در بهره‌وری آدام اسمیتی است. این نگرش بیشتر به گسترش بازار و تعمیم تقسیم کار به وسیله بهبود فناوری و تخصص در تولید، به نحوی که بتوان بر تنگناهای بازار داخلی فائق آمد، تأکید می‌ورزد. نگرش بهره‌وری پویا، در واقع تجارت را به مثابه نیروی پویا تفسیر می‌کند که از راه گسترش بازار و تقسیم کار، این امکان را به کشور می‌دهد که از ماشین‌آلات و ظرفیت‌های شکل گرفته استفاده بیشتری ببرد، در حالی که نوآوری در تولید برانگیخته می‌شود و همچنین بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد. در کل، کشور درگیر تجارت این توانمندی را کسب می‌کند تا از بازده‌های فزاینده و توسعه گسترده اقتصادی بهره‌مند گردد.<sup>۲</sup>

پس از کلاسیک‌ها، اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک با طرح انتقاداتی از نظریه مزیت نسبی، الگوها و نظریه‌های تجاری دیگری طرح کردند که منسجم‌ترین آنها نظریه هکشر-اوهلین<sup>۳</sup> است. این نظریه را بعدها اقتصاددانان دیگری مانند پل سامونلسون<sup>۴</sup> تکمیل نمودند. نظریه مزبور سعی در تبیین علت تفاوت نسبت‌های هزینه میان کشورها دارد و بر اساس نتایج آن، تفاوت در الگوی تجارت و نسبت قیمت‌ها قبل از مبادله، ناشی از تفاوت و فور عوامل در طرف عرضه و تفاوت شرایط تقاضاست، نه تفاوت فناوری. اقتصاددانان نئوکلاسیک در زمره طرفداران نظام تجاری آزاد و همسو با اندیشه‌های کلاسیک‌ها می‌باشند.

1- D.Hilla -Myint ("The Classical Theory of International Trade and the Underdeveloped Countries", 1958, *EJ*).

۲- متوسلی، محمود، سیاست‌های تجاری و توسعه اقتصادی، ۱۳۸۰.

3- Eli-F Hecksher & Bertil ohlin (1919)

4- Paul A.Samuelson (1948).

در سه دهه اخیر، نظریه تجارت بین‌الملل دستخوش تحولات شگرفی شده است. نظریه پردازان جدید، منطق مرسوم تجارت آزاد را زیر سؤال برده، با معرفی عناصر دیگری غیر از وفور عوامل، به عنوان شالوده تجارت، مانند صرفه‌های مقیاس، تخصص یافتن در محصول و پیشرفت تکنولوژی و با رد فرض رقابت کامل در داخل و بین کشورها، موجب پیدایش سیاست استراتژیک تجاری شده‌اند که توجیهی است برای مداخله تجاری و حمایت‌گرایی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. طبق این نظریه، کشور می‌تواند از راه حمایت تجاری موقت، یارانه‌ها، مزایای مالیاتی و طرح‌های همکاری مشترک دولت - صنعت در حوزه‌هایی مانند نیمه هادی‌ها، رایانه‌ها، ارتباطات راه دور و سایر حوزه‌هایی که برای رشد آتی اقتصاد کشور حساس شناخته می‌شود، مزیت نسبی را برای خود ایجاد کند (Salvatore, 1996: 33). در عین حال، در اواخر دهه ۱۹۸۰ منتقدان سیاست‌های حمایتی، به ویژه نئولیبرال‌ها، این سیاست‌ها را مانع رشد و بهره‌وری دانسته، مجدداً بر آزادسازی تجاری تأکید کردند.

### ۱-۳- آثار آزادسازی تجارت در نظریه‌های رشد

با شکست سیاست‌های حمایتی در جهان و گرایش اکثر کشورهای جهان به آزادسازی تجاری، اقتصاددانانی مانند: رومر<sup>۱</sup>، لوکاس<sup>۲</sup>، ربلو<sup>۳</sup>، گروسمن و هلپمن<sup>۴</sup> در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ اقدام به بررسی‌های جامع در مورد ارتباط بین آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی نمودند. مهم‌ترین دستاورد نظری این تحقیقات و مطالعات، تدوین تئوری جدید تجارت می‌باشد. به وجود آمدن تئوری جدید تجارت در چهارچوب شکل‌گیری تئوری رشد درونزا صورت گرفته است که قسمتی از این تئوری بر ارتباط بین آزادسازی تجاری (تجارت آزاد) و رشد اقتصادی تأکید می‌نماید. ویژگی مهم مدل رشد درونزا تمرکز عوامل تولید و در درجه اول سرمایه (انسانی و فیزیکی) است. هر عاملی که بر نرخ تمرکز انواع سرمایه‌ها تأثیرگذار باشد، نرخ رشد اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

در این نظریه، رشد پایدار به طور درونزا یعنی بدون دخالت پیشرفت فنی و یا هر عامل برونزای دیگر و از راه بهینه کردن تصمیمات کارگزاران اقتصادی ایجاد می‌گردد و بر نقش بالقوه دانش، سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه و نیز امکان بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس در افزایش نرخ رشد، تأکید خاص می‌گردد. با درونزا شدن نرخ بلندمدت رشد اقتصادی، امکان بررسی نقش سیاست‌های اقتصادی مانند سیاست‌های تجاری، در تعیین نرخ رشد فراهم می‌شود.

---

1- Romer (1990)  
2- Lucas (2003)  
3- Rebelo (1991)  
4- Grossman and Helpman (1990)

به طور کلی، نظریه رشد درونزا تأثیرات مثبت آزادسازی بر نرخ رشد بلندمدت را به وسیله سه پدیده وابسته به هم می‌تواند توضیح دهد:

الف - پیشرفت فنی درونزا؛

ب - افزایش پس‌انداز سرمایه‌گذاری؛

ج - صرفه‌های خارجی.

الف - پیشرفت فنی درونزا: بنگاه‌های اقتصادی در فکر پیشینه‌سازی سود خود، می‌توانند تکنولوژی تولید را بهبود بخشند. پیشرفت فنی از مجاری اصلی ذیل دست‌یافتنی است (Nowak- Lehman, 2000: 8). ابداعات: به وسیله ابداعات می‌توان تکنولوژی موجود در خط تولید را در جهت نیل به افزایش بهره‌وری عوامل تولید؛ افزایش تنوع تولیدات (تکنولوژی افقی)؛ بهبود کیفیت محصولات تولیدی (تکنولوژی عمودی) بهبود بخشید. ابداعات معمولاً نیازمند برنامه‌های گسترده و پرهزینه تحقیق و توسعه (R&D) است<sup>۱</sup>.

تقلید: تعاملات تجارت بین‌الملل مکرر و مداوم باعث می‌شود که تولیدکنندگان داخلی بتوانند تکنولوژی‌های خارجی را تقلید کنند و از این دانش برای فرایند تولیدی خود بهره ببرند. دسترسی به چنین دانشی می‌تواند از واردات مستقیم کالاهای دارای تکنولوژی بالا و یا از تعامل گسترده‌تر با منابع ابداعات و اختراعات، از راه ارتباط و تحرکات بین‌المللی گسترده، ناشی شود.

انتقال تکنولوژی: از آنجا که آثار سرریز دانش یکی از نیروهای پیش برنده رشد مداوم بلندمدت است، اقتصادهای بازتر بیشتر در معرض دانش جهان‌گستری هستند که بازدهی را ارتقاء می‌بخشد. بدین ترتیب آزادسازی تجارت می‌تواند با بهبود تکنولوژی از راه انتقالات تکنولوژی و نیز ایجاد انگیزه بیشتر برای تقلید و ابداع تکنولوژیک رشد بلندمدت پایدار را ممکن سازد (Wacziarg, 1998: 4). قابلیت انتقال دانش و قاصر بودن به تولید کالاهای تقلید از تولیدکنندگان خارجی، موتور رشد اقتصادی در تئوری رشد درونزاست<sup>۲</sup>. آزادسازی تجاری از طریق افزایش جریان بین‌المللی نوآوری‌ها و دانش و تخصص نه تنها باعث افزایش رشد اقتصادی در تولید کالاهای نهایی می‌شود بلکه توسعه روش‌های جدید تولید را نیز در پی خواهد داشت<sup>۳</sup>.

ب - افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری: پذیرش سیاست‌های تجاری باز در کشورهایی که به طور نسبی نیروی کار فراوان‌تری در اختیار دارند، باعث افزایش نسبت دستمزد به سود خواهد شد؛ زیرا گرایش به یکسان‌سازی قیمت عوامل میان کشورها، فشاری در جهت افزایش دستمزدها و نیز

1- Win Lin and Wong.  
2- Bald, win, F. 2000.  
3- Dowrick, S. 1994.

فشاری در جهت کاهش قیمت کالاهای سرمایه‌ای وارد می‌نماید. این امر به افزایش نسبت سرمایه‌گذاری بر رشد، از راه‌انداز بازار منجر می‌گردد. کشورهای بازتر با بازارهایی بس بزرگتر از بازارهای داخلی مواجهند و نیاز به نهاده‌های بیشتر برای تولید گسترده‌تر دارند و این نیاز، فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری را فراهم می‌سازد. افزون بر این آزادسازی تجاری می‌تواند به راحتی به بنگاه‌های داخلی، امکان واردات کالاهای سرمایه‌ای را بدهد که تاکنون در دسترس نبوده و یا تولید داخلی آنها هزینه بالاتری را همراه داشته است و بنابراین موجب رفع محدودیت‌های ساختاری روی سرمایه‌گذاری شود (Ibid. 3).

ج - صرفه‌های خارجی: آثار خارجی مثبت، همراه با انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی)، به بازدهی ثابت و یا حتی صعودی نهاده انباشته شده می‌انجامد و بنابراین نرخ رشد مثبت بلندمدت محصول را ممکن می‌سازد. این آثار جانبی، می‌تواند بهبود کارایی در یک دوره را، که از آزادسازی تجارت ناشی شده است، به افزایش نرخ رشد اقتصادی پایدار پیوند زند. همچنین کشورهای بازتر می‌توانند با تولید برای بازاری بزرگتر از بازار داخلی تقسیم کار گسترده‌تری داشته باشند و خیلی بهتر از افزایش بازده نسبت به مقیاس استفاده نمایند (Jayme, 2001: 8).

تجارت خارجی باعث متخصص شدن یک کشور در تولید کالای خاصی می‌شود و در نتیجه صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در تولید آن کالاها در حجمی فراتر از حجم بازار داخلی حاصل می‌گردد تجارت خارجی منجر به رشد اقتصادی کشورها می‌شود، چون کشورها در تولید کالاهای خاصی تخصص پیدا می‌کنند و بدین ترتیب از کوشش‌ها و هزینه‌های تکراری مربوط به R&D جلوگیری می‌شود. در غیر این صورت هر کشور مجبور است هزینه‌های R&D مربوط به کلیه فعالیت‌های تولید را متحمل شود<sup>۱</sup>. به علاوه چون کشورهای تجارت‌کننده در معرض رقابت با تولیدکنندگان خارجی قرار می‌گیرند، کارایی استفاده از عوامل تولیدی و سازماندهی فرایند تولید و فنون مدیریتی افزایش می‌یابد. در اکثر کشورها، شرکت‌های صادرکننده در مقایسه با سایر شرکت‌ها، کارآمدتر و نوآورتر هستند<sup>۲</sup>.

البته باید به خاطر داشت که گاه ممکن است اثر آزادسازی تجارت بر رشد، منفی باشد؛ از جمله زمانی که کشوری در تقلید و یا ابداع، مزیت نسبی نداشته باشد و یا آثار خارجی تجارت اندک باشد و یا در صورتی که قوانین حمایت از مالکیت معنوی مانع دستیابی به آنها گردد (Nowak- Lehman, 2000: 8). در مقابل طرفداران تجارت آزاد بین کشورها، گروهی از اقتصاددان منتقد، مانند پربیش<sup>۳</sup>، سینگر<sup>۴</sup> و میردال<sup>۵</sup> در رد سیاست‌های آزادسازی و طرفداری از

1- Rivera, Batizl, Rower, 1991.

2- Pain, N. 2000.

3- Raul Perbisch

4- Singer (1910-2006)

5- Gunnar Myrdal (1898-1987)

سیاست‌های حمایتی، خوستار استفاده از سیاست‌های تعرفه‌ای در تجارت خارجی هستند. در زمره دلایل آنها، حمایت از صنایع نوزاد، بهبود اشتغال و ترازپرداخت‌ها، حمایت از نیروی کار و قیمت‌های کالاهای داخلی، بهبود رابطه مبادله و حتی بحث امنیت ملی مطرح می‌گردد.

## ۲- مطالعات تجربی

آزاد سازی تجارت و حرکت به سوی اقتصاد باز از دیرباز مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. روند ادغام اقتصادی کشورها (جهانی‌شدن) از اوایل دهه ۱۹۷۰ سرعت بیشتری به خود گرفت و در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. لذا اکثر تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در این زمینه مربوط به دو یا سه دهه اخیر می‌باشد که در ادامه به پاره‌ای از آنها اشاره خواهیم کرد. در ساده‌ترین حالت، معادله رشد زیر برای آزمون فرضیه مربوط به اثر مثبت صادرات بر رشد اقتصادی استفاده شده است:

$$\beta_0 = \beta_1 = \beta_2 = \beta_3$$

که در آن  $dy$  رشد تولید،  $I/Y$  نسبت سرمایه‌گذاری به تولید،  $dL$  رشد نیروی کار و  $dx$  رشد صادرات است. ضریب  $\beta_2$  تولید نهایی سرمایه و ضرایب  $\beta_1$  و  $\beta_3$  کشش‌های تولید نسبت به نیروی کار و صادرات هستند. این معادله براساس مشاهدات بین‌کشوری، سری‌زمانی، داده‌های پانل و همچنین داده‌های خرد در سطح بنگاه یا صنعت به اشکال مختلف، مورد برآورد قرار گرفته و نتایج آن در بسیاری موارد، آموزه رشد مبتنی بر صادرات را تأکید کرده است. به طور کلی برای بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی از سه روش می‌توان استفاده کرد: مشاهدات بین‌کشوری یا پانل، سری‌های زمانی و مدل‌های تعادل عمومی. از جمله این مطالعات می‌توان به آلن وی‌دیر دورف و رابرت‌ام‌استرن<sup>۱</sup> (۱۹۸۱)، فدر<sup>۲</sup> (۱۹۸۳)، بالاسا<sup>۳</sup> (۱۹۸۵)، رام<sup>۴</sup> (۱۹۸۵)، مباکو<sup>۵</sup> (۱۹۸۹)، ماسچوس<sup>۶</sup> (۱۹۸۹)، رومر<sup>۷</sup> (۱۹۹۰)، گروسمن و هلپمن<sup>۸</sup> (۱۹۹۰)، سالواتوره و هاچر<sup>۹</sup> (۱۹۹۱)، رایور - باتیز و رومر<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۱)، دلار<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۲).

1- Robert M. Stem and Alan V. Deardorf.  
2- Feder.  
3- Balassa.  
4- Ram.  
5- Mobaku.  
6- Moschos.  
7- Romer.  
8- Grossman and Helpman.  
9- Salvatore and Hatcher.  
10- Rivera-Batiz and Romer.  
11- Dollar.

ویس<sup>۱</sup> (۱۹۹۲)، ماتسویاما<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، ادوارد<sup>۳</sup> (۱۹۹۳)، ساچ و وارنر<sup>۴</sup> (۱۹۹۵)، چاند و سن<sup>۵</sup> (۱۹۹۵)، مولاگا و ونیس<sup>۶</sup> (۱۹۹۶)، کروگر<sup>۷</sup> (۱۹۹۷)، ادوارد<sup>۸</sup> (۱۹۹۸)، رودریگز و رودریک<sup>۹</sup> (۱۹۹۹)، اشاره کرد. در ادامه برخی از مطالعات جدید را با تفصیل بیشتر مرور می‌کنیم.

وست بروک و تایبوت<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) تأثیر آزادسازی تجاری بر بهره‌وری را در کشور مکزیک بر اساس داده‌های پانل طی دوره (۱۹۸۴-۱۹۹۵) برای گروهی از صنایع کارخانه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصله نشان داده است که به دنبال آزادسازی، هزینه‌های متوسط در اکثر صنایع به ویژه تولیدکنندگان کالاهای قابل مبادله کاهش یافته است. هاریسون<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۶) با استفاده از روش رگرسیونی پانل دیتا و با تکیه بر تحلیل حساسیت به وجود رابطه مستقیم و معنادار بین باز بودن تجاری و رشد اقتصادی رسیده است. جن‌کینس<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۷) نیز در مطالعه عملکرد صادراتی نشان داد که آثار این سیاست تجاری در کشورهایی با درآمد پایین، اندک است. میترا و کریشنا<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۸) آثار آزادسازی تجاری در سال ۱۹۹۱ را بر رقابت و بهره‌وری در کشور هند با استفاده از داده‌های خرد پانل برای دوره (۱۹۸۶-۱۹۹۳) روی مجموعه‌ای از بنگاه‌های نمونه مورد مطالعه قرار داده‌اند. شواهد حاصله نشان می‌دهد که سیاست‌های مذکور به افزایش رقابت و افزایش نرخ رشد بهره‌وری منجر شده است. شرما<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۰) پیامدهای آزادسازی تجاری را روی تغییرات ساختاری صنایع کارخانه‌ای نپال که در گروه کشورهای کمتر توسعه یافته طبقه‌بندی می‌گردد، مورد بررسی قرار می‌دهد. آزادسازی تجاری در کشورهای کمتر توسعه یافته با درآمد پایین به دلیل پایین بودن کشش‌های عرضه و فرآیند اولیه صنعتی‌سازی، ممکن است مشکل این دسته از کشورها را حل نماید. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که به هنگام آزادسازی، تغییرات ساختاری تا حدودی در تولید و جهت‌گیری تجاری مشاهده می‌گردد. اما بهبود معنی‌داری در رشد کلی بهره‌وری و توزیع فضای صنعتی که عمدتاً به دلیل کمبود زیر ساخت‌های اساسی و نیروی کار ماهر است مشاهده نمی‌گردد. کیم<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۰) اثر آزادسازی را بر بهره‌وری، رقابت بازار و کارایی مقیاس در کره جنوبی با استفاده از ۳۶ صنعت کارخانه‌ای در دوره (۱۹۶۶-۱۹۸۸) مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی با فرض رقابت ناقص در الگو نشان می‌دهد که

---

1- Wiss.  
2- Matsuyama.  
3- Edwards.  
4- Sachs, J. D. and A. Warner.  
5- Chand and Sen.  
6- Mulaga and Weiss.  
7- Krueger.  
8- Edwards.  
9- Francisco Rodriguez, Dani Rodrik.  
10- Westbrook and Tybout.  
11- Harison.  
12- Jenkinss.  
13- Krishna and Mitra.  
14- Sharma.  
15- Kim.

آزادسازی تجاری، رشد بهره‌وری، رقابت و کارآیی مقیاس را بهبود داده است. میلر و آپادیای<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) آثار درجه باز بودن اقتصاد، سیاست‌های تجاری و سرمایه انسانی را بر بهره‌وری کلی عوامل با استفاده از داده‌های پانل برای مجموعه‌ای از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که درجه بالای باز بودن اقتصاد به رشد بالاتر بهره‌وری کلی عوامل منجر شده است. تأثیر سرمایه انسانی بر بهره‌وری در کشورهای با درآمد پایین، بستگی به درجه باز بودن اقتصاد دارد. برای کشورهای فقیر با درجه کم باز بودن اقتصاد، این اثر منفی و برای کشورهای فقیر با اقتصاد بازتر، اثر مذکور مثبت است. دیوتا و احمد<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) با استفاده از چارچوب مدل رشد درونزا به تجربه و تحلیل رابطه بین سیاست‌های تجاری و رشد صنعتی پاکستان در طی دوره (۱۹۷۳-۱۹۹۵) می‌پردازند. نتایج حاصله از رویکرد هم‌انباشتگی وجود یک رابطه منحصر به فرد بلندمدت را میان تابع رشد ارزش افزوده صنعتی و عوامل اصلی تعیین‌کننده آن؛ نظیر موجودی سرمایه، نیروی کار، صادرات حقیقی، متوسط نرخ تعرفه وارداتی و سرمایه انسانی نشان می‌دهد. در کوتاه‌مدت رفتار تابع رشد ارزش افزوده صنعتی به طور معنی‌داری با سرعت ملایم به سمت بلندمدت تصحیح می‌گردد. گرینوی، مورگان و رایست<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود برای بررسی اثرات آزادسازی تجارت بر رشد اقتصادی در یک نمونه شامل ۷۳ کشور و برای دوره (۱۹۶۵-۱۹۸۵) از یک مدل پانل پویا استفاده کرده‌اند، که علاوه بر در نظر گرفتن شاخص‌های زیادی که بر رشد به عنوان متغیر کنترل تأثیر می‌گذارند، مجموعه‌ای از شاخص‌های دیگر را به عنوان متغیرهای باز بودن و آزادسازی تجاری بکار گرفته‌اند. مدل آنها به شرح زیر می‌باشد:

$$\Delta y_{i,t} = \alpha \Delta y_{i,t-1} + \beta_1 SCH_{i,65} + \beta_2 TTI_{i,t} + \beta_3 POP_{i,t} + \beta_4 \left( \frac{INV}{GDP} \right)_{i,t} + \beta_5 LIB_{i,t} + \beta_6 \Delta y_{i,t}$$

GDP :  $y_{i,t-1}$  سرانه واقعی با وقفه؛

GDP :  $y_{i,65}$  سرانه واقعی برای سال ۱۹۶۵؛

$SCH_{i,65}$  : سطح ثبت‌نام کنندگان دبیرستانی در سال ۱۹۶۵؛

$TTI_{i,t}$  : شاخص روند تجارت؛

$POP_{i,t}$  : جمعیت؛

$\left( \frac{INV}{GDP} \right)_{i,t}$  : نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به GDP؛

$LIB_{i,t}$  : متغیر موهومی آزادسازی.

1- Miller and Upadhyay.  
2- Dutta and Ahmad.  
3- Greenaway, Morgan, Wright (2002).

آنها رویکرد خود را بر اساس تحقیق لوین و رنلت<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) قرار دادند. ویژگی اصلی مطالعه آنها وارد کردن متغیر تأخیر زمانی در این الگو بود و باعث شد که این چارچوب تبدیل به یک مدل پانل پویا برای بررسی اثرات کوتاه مدت آزادسازی بر روی رشد اقتصادی شود. نتایج آنها حاکی از آن بود که آزادسازی تجاری در بین کشورها باعث سریع تر شدن رشد اقتصادی می شود. ما نیز در این مقاله از مدلی مشابه مطالعه بالا استفاده خواهیم کرد با این تفاوت که از شاخص های سهم واردات و سهم صادرات به عنوان شاخص های آزادسازی، بهره خواهیم گرفت.

مطالعات زیادی نیز رابطه میان تجارت و رشد اقتصادی را در ایران مورد بررسی و آزمون قرار داده اند که در یک نگاه کلی عبارتند از: اکبری و کریمی هسینجه (۱۳۷۵) برادران شرکاء و صفری (۱۳۷۵) و (۱۳۷۶). جلالی و نائینی و رضازاده محمدی (۱۳۷۵) فرجادی و لعلی (۱۳۷۶)، و حسنونند (۱۳۷۷)، متوسلی (۱۳۷۴)، توکلی و هاشمیان (۱۳۷۸) و عظیمی (۱۳۷۶) که در ادامه به برخی از آنها به صورت مفصل تر اشاره می شود. اکبری و کریمی هسینجه (۱۳۷۵) تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی و سرمایه گذاری را بر اساس تابع تولید فدر برای دوره (۱۳۷۴-۱۳۴۸) مورد مطالعه قرار داده اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد که در سطح کلان، اثر رشد صادرات صنعتی و نفتی بر رشد اقتصادی معنی دار و قوی است.

برادران شرکاء و صفری (۱۳۷۵) رابطه میان رشد اقتصادی و صادرات را در طی (۱۳۷۲-۱۳۳۸) در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات با استفاده از آزمون علیت گرنجر و همچنین الگوی فدر مورد مطالعه قرار می دادند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که در ایران صادرات غیرنفتی، آثار مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است و این اثرگذاری در بخش صنعت بیشتر از سایر بخش ها مشاهده می گردد. جلالی و همکاران (۱۳۷۵) با استفاده از الگوی تابع تولید و مطالعه هشت کشور نفت خیز از جمله ایران به این نتیجه رسیدند که اثرگذاری صادرات (شامل نفتی و غیرنفتی) در رشد اقتصادی این کشورها از سایر کشورهای در حال توسعه کمتر بوده است.

شرکاء و صفری (۱۳۷۶) تأثیر صادرات را بر رشد صنعتی ایران با استفاده از فرم تعریف شده الگوی داده ستاده چنری<sup>۲</sup> به تفکیک نه زیربخش صنعتی در کنار سایر منابع رشد صنعتی مطالعه کرده اند. نتایج حاصله نشان می دهد که رشد بخش صنعت ایران عمدتاً متکی به گسترش تقاضای داخلی است.

---

1- Levine and Renelt.  
2- Chenery.

حافظی و مانی (۱۳۷۷) در پژوهشی تحت عنوان اثر بخشی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی با استفاده از تکنیک‌های همگرایی به بررسی تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده بیان می‌کند که رشد موجودی سرمایه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. ولی رابطه معنی‌داری بین نرخ رشد اشتغال و رشد اقتصادی وجود ندارد. همین‌طور آنها نتیجه گرفتند که رشد صادرات و واردات تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد و تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی بیش از تأثیر واردات بر رشد اقتصادی است.

عظیمی (۱۳۷۹) اثر صادرات غیرنفتی را بر رشد اقتصادی مبتنی بر آثار جنبی و بهره‌وری با استفاده از الگوی تابع تولید مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش بر اساس داده‌های آماری سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۴۶) آثار صادرات غیرنفتی بر رشد تولید ناخالص بدون نفت را در ایران تأیید نمی‌کند. وی بحث می‌کند: وسیله ارتباط اقتصادی در دنیای امروز، تجارت و آزادسازی تجاری می‌باشد؛ به نظر می‌رسد که آزادسازی تجارت و افزایش تجارت در آینده نه چندان دور، امری اجباری باشد زیرا جوامع بسته توانایی رشد را ندارند، بنابراین روز به روز ضعیف‌تر شده و روزی ناخودآگاه در اقتصاد جهان ادغام خواهند شد؛ اما (بر اساس نظر وی) این دلیل بر این نمی‌شود که، با چشمانی بسته و بدون تفکر به آزادسازی تجاری روی آورد، بلکه باید ابتدا توانایی‌ها و ضعف‌های اقتصادی خود را بسنجیم و بعد آهسته آهسته و با برنامه وارد اقتصاد جهانی بشویم.

### ۳- مدل و داده‌ها

به طور کلی برای بررسی اثرات یک سیاست روی یک متغیر اقتصادی در میان تعدادی از کشورها عموماً از روش داده‌های پانل استفاده می‌شود. به عنوان مثال: ساچز و وارنر<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) و هاریسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) و گرینوی، مورگان و رایت<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) از یک شاخص ترکیبی برای اندازه‌گیری آزادسازی تجاری استفاده نموده و با برآورد یک الگوی رگرسیونی بین کشوری، به رابطه‌ای مثبت و معنادار بین باز بودن تجاری و رشد بلندمدت کشورها دست یافته‌اند. همچنین جلالی نائینی و محمدی (۱۳۷۵)، با استفاده از داده‌های تلفیقی طی دوره (۱۳۷۱-۱۳۳۸) به بررسی رابطه رشد تجارت و رشد اقتصادی در کشورهای نفت‌خیز پرداخته‌اند.

برای انجام این تحقیق از داده‌های پانل (داده‌های مقطعی<sup>۴</sup> و داده‌های سری زمانی<sup>۵</sup>) یک نمونه ۲۹ کشوری مبتنی بر معیارهای مختلفی مثل همگنی کشورها در راستای تحقیق و در دسترس بدون

1-Sachs, J.D. and A. Warner (1995).

2-Harison (1996).

3- Greenaway, Morgan, Wright (2002).

4- Cross-Sections.

5- Time Series.

اطلاعات استفاده شده است. در ضمن سعی شده است که در انتخاب کشورها به تنوع موقعیت جغرافیایی کشورها نیز توجه شود.<sup>۱</sup>

در بحث معادلات چندگانه، چنانچه بین جملات اختلال معادلات متفاوت در یک زمان مشخص همبستگی همزمان<sup>۲</sup> وجود داشته باشد به جای تخمین معادلات به صورت تکی و استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، برای افزایش کارایی بهتر است که همه معادلات به طور مشترک به روش رگرسیون‌های به ظاهر نامرتبط (SUR)<sup>۳</sup> تخمین زده شود. این روش را می‌توان برای ادغام<sup>۴</sup> داده‌های مقطعی و سری زمانی نیز بکار گرفت. یکی از روش‌هایی که فرض می‌کند تمام واحدها، بردار ضرایب یکسانی به جز برای عرض از مبدأ دارند، مدل متغیر موهومی یا کوواریانس<sup>۵</sup> نامیده می‌شود. در این روش تفاوت بین واحدها، در عرض از مبدأ منعکس می‌شود. روش ادغام دیگر مدل اجزاء خطا<sup>۶</sup> نامیده می‌شود. در این روش فرض می‌شود تمام واحدها، بردار ضرایب شیب مشابهی دارند ولی جمله اختلال، ترکیبی از یک عبارت تصادفی مرتبط به واحد و عبارت تصادفی دیگری که مرتبط با زمان و واحد است، می‌باشد.

در روش ادغام داده‌ها با استفاده از مدل اثرات ثابت<sup>۷</sup> تفاوت در عرض از مبدأها با استفاده از متغیرهای موهومی مدلسازی می‌شود. این مدل‌ها را می‌توان به عنوان حالت خاصی از مدل SUR که در آن  $\Sigma = \delta^2 I$  است و ضرایب تمام معادلات به جز برای عرض از مبدأ یکسانند، در نظر گرفت. مدل متغیر موهومی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$y_{it} = \alpha_i + \sum_{k=2}^K \beta_k x_{kit} + \epsilon_{it} \quad i=1,2,\dots,N$$

مشاهده مقطعی؛

T=1,2,...,T مشاهده سری زمانی؛

Bi0: ضریب عرض از مبدأ برای i امین واحد؛

BK: ضرایب شیب که برای تمام واحدها یکسان است؛

yit: متغیر وابسته؛

Xkit: متغیر توضیحی؛

eit: جملات اختلال که به طور مستقل و یکسان از یکدیگر توزیع شده‌اند.

۱- کشورهای مورد بررسی عبارتند از:

ARGENTINA, BHUTAN, BOLIVIA, BOTSWANA, BRAZIL, BURKINA, CAMEROON, COLOMBIA, COSTA RICA, CONGO, EGYPT, ETHIOPIA, FIJI, HUNGARY, INDIA, INDONESIA, IRAN, JORDAN, KENYA, MALAYSIA, MAURITIUS, MEXICO, MOROCCO, NEPAL, NICARAGUA, PAKISTAN, GUINEA, PARAGUAY, PERU.

2- Contemporaneous Correlation.

3- Seemingly unrelated Regressions.

4- Pooling.

5- Dummy variable or covariance model.

6- Error Components model.

7- Fixed Effects Model.

$$\frac{\sum_{it} \sigma_e^2}{it}$$

رگرسیون مدل رشد در حالت کلی به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$\Delta y_{i,t} = \alpha + \beta_1 \Delta y_{i,t-1} + \beta_2 \Delta y_{i,t-2} + \beta_3 \Delta y_{i,t-3} + \beta_4 \Delta y_{i,t-4} + \beta_5 \Delta y_{i,t-5} + \beta_6 \Delta y_{i,t-6} + \varepsilon_{it}$$

که  $y_{i,t}$  نشانگر GDP واقعی سرانه، و  $Z$  نیز بردار متغیرهای مؤثر بر رشد است. در مطالعات تجربی از متغیرهای گوناگونی برای بردار  $Z$  استفاده می‌شود. برخی از این متغیرهای عبارتند از: سرمایه‌گذاری فیزیکی، سرمایه انسانی، باز بودن تجاری، جمعیت، مخارج دولت، متغیرهای جغرافیایی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پرمیوم نرخ ارز، وفور منابع طبیعی، نهادها و کیفیت سیاست کلان اقتصادی که پژوهشگران بر مبنای ماهیت مطالعه و کشورهای مورد بررسی متغیرهای مورد نظر را انتخاب و وارد مدل می‌کنند. مدل مورد استفاده این تحقیق به صورت زیر می‌باشد:

$$\Delta y_{i,t} = \alpha + \beta_1 \Delta y_{i,t-1} + \beta_2 \Delta y_{i,t-2} + \beta_3 \Delta y_{i,t-3} + \beta_4 \Delta y_{i,t-4} + \beta_5 \Delta y_{i,t-5} + \beta_6 \Delta y_{i,t-6} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$POP_{i,t}$ : جمعیت کل؛

$EXP_{i,t}$ : سهم صادرات از GDP؛

$IMP_{i,t}$ : سهم واردات از GDP؛

$GCF_{i,t}$ : نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به GDP؛

$SCH_{i,t}$ : سطح ثبت‌نام کنندگان دبیرستانی می‌باشند.<sup>۱</sup>

آزمون ضرایب متغیر دامی (F) در خصوص معنی دار بودن اثرات ویژه کشوری به صورت

زیر می‌باشد:

[همه کشورها عرض از مبدأ یکسان دارند]

$$H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_n = 0$$

$\alpha_i$  ها یکسان نیستند

با توجه به اینکه F محاسباتی مدل ۱/۵۷ و F جدول ۰/۶۱ می‌باشد لذا فرضیه  $H_0$  رد شده و

مدل را به صورت پانل تخمین می‌زنیم.

1- World Development Indicators (2005), WDI.

برای آزمون الگوی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی از آزمون هاسمن ( $\chi^2$ ) استفاده می‌کنیم.

نتایج حاصل از تخمین ضرایب به همراه آماره آزمون هاسمن در جدول (۱) ارائه شده است. با توجه به اینکه  $\chi^2$  محاسباتی مدل ۷۵۲/۴۴ بزرگتر از  $\chi^2$  جدول با درجه آزادی ۶ و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ می‌باشد لذا از روش اثرات ثابت برای تخمین مدل استفاده می‌کنیم. نتایج حاصل از برآورد الگو در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج حاصل از برآورد الگو

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic
$\Delta \ln(Y(-1))$	0.254784	4.63E-06	55041.01
$\Delta \ln(\text{POP})$	-0.801949	1.29E-05	-62384.45
EXP	0.000253	2.05E-08	12334.37
IMP	-0.000476	2.81E-08	-16924.30
GCF	0.002333	1.64E-08	142523.5
$\ln(\text{SCH})$	0.097061	2.01E-05	4825.078
آزمون دوربین واتسون DW = 2.042972			
آزمون ضرایب متغیر دامی F = 1.57			
آزمون هاسمن: ۷۵۲/۴۴ $\chi^2(6)$			

نتایج حاصل از جدول شماره (۱) را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$\Delta \ln y_{i,t} = \alpha_0 + 0/2547 \Delta \ln y_{i,t-1} - 0/8019 \Delta \ln \text{POP}_{i,t} + 0/0002 \text{EXP}_{i,t} - 0/0004 \text{IMP}_{i,t} + 0/0023 \text{GCF}_{i,t} + 0/0970 \ln \text{SCH}_{i,t}$$

علامت کلیه ضرایب مطابق با انتظارات قبلی می‌باشد. رشد جمعیت و واردات تأثیر منفی و معنی‌دار بر رشد تولید ناخالص داخلی دارند. لازم به ذکر است واردات کل شامل کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای می‌باشند. با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه عمدتاً وارد کننده کالاهای مصرفی هستند<sup>۱</sup> لذا مطابق انتظار افزایش واردات تأثیر منفی بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد.

سطح ثبت‌نام کنندگان دبیرستانی به عنوان شاخصی از سرمایه انسانی تأثیر مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. سهم صادرات از GDP به عنوان شاخص دیگر از آزادسازی طبق انتظار تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد. نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به GDP به عنوان شاخصی از سرمایه‌گذاری فیزیکی نیز تأثیر مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

امروزه یکی از راه‌های حرکت کشورها به سوی یک نظام آزاد تجاری اقتصادی، تمرکز روی سیاست‌های تجاری مناسب در این زمینه است. در کشورهای در حال توسعه این مسیر با سرعت کندتری طی می‌شود ولی با توجه به نیاز مبرم در این زمینه، دولت‌های این کشورها باید با تدابیر و سیاست‌های مناسب به این حرکت سرعت بیشتری بخشند. در این مطالعه به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه که دارای اطلاعات و داده‌ای کافی برای متغیرهای مورد استفاده در مدل بودند، پرداختیم. همان طور که در تفسیر مدل توضیح داده شد متغیرهای جمعیت و واردات اثر منفی بر رشد GDP ولی متغیرهای صادرات، سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی و سطح باسوادی اثر مثبت بر رشد GDP در این کشورها دارند. با توجه به شرایط خاص موجود در این کشورها، اثر متغیر جمعیت بر رشد GDP، معنی‌دار و به لحاظ اندازه بزرگ و قابل ملاحظه است. در حالی که متغیرهایی نظیر صادرات و واردات کل به لحاظ اندازه، اثر ناچیزی بر رشد GDP دارند. از آنجایی که بخش بزرگی از واردات این گروه کشورها را واردات مصرفی تشکیل می‌دهند نتیجه مذکور دور از انتظار نیست. لذا به نظر می‌رسد که هر چند سیاست‌های معطوف به رشد صادرات می‌تواند رشد اقتصادی را تا حدودی تحریک کند اما سیاست‌های آزادسازی (به صورت خنثی و بی‌طرفانه نسبت به واردات و صادرات) بدون ایجاد تمهیدات و بسترهای نهادی مناسب اثر با اهمیتی بر رشد تولید ندارد.

## منابع

### الف- فارسی

۱. استیگلیتز، جوزف، *جهانی سازی و مسائل آن*، حسن گلریز، نشر نی، ۱۳۸۲.
۲. ایروانی، جواد، *شناخت سازمان تجارت جهانی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۳.
۳. بهکش، محمد مهدی، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
۴. متوسلی، محمود، *سیاست های تجاری و توسعه اقتصادی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۰.
۵. «مجموعه مقالات همایش جهانی شدن اقتصاد»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۲.

### ب- لاتین

6. Andriamananjara, S., Nash, J., **Have trade Policy reforms led to greater openness in developing countries?** World Bank Working paper series, 1997, No. 1730.
7. Aaditya Mattoo, Ran deep Rathindran, and Arvind Subramanian, **Measuring Services Trade liberalization and its Impact on Economic Growth: An Illustration**, August 2001.
8. Anoruo, Emmanuel and Yusuf Ahmad, **Openness and Economic Growth; Evidence from selected Asean Countries**, The India Economic Journal, Jan-March, 2000.
9. Barro, Robert, Mankiw and sala- I- Martin, **Capital Mobility in Neoclassical Models of Growth**, NBER working paper, 1992, No. 4206.
10. David Greenaway, wyn Morgan, peter Wright, **Trade Liberalization and Growth in Developing Countries**, Journal of Development Economics, Vol. 67 (2002) 229-244.
11. Edwards, S., **Openness, trade liberalization, and growth in developing countries**. Journal of Economic Literature 31, 1993, 1358-1393.
12. Edwards, S., **"Openness, productivity and growth: what do we really know?"** Economic Journal, 108, 1998, 383-398.
13. Frankel, J. A. , Romer, D., Does trade Cause growth? American Economic Review 89 (3), 1999, 379-399.
14. Halit Yanikkaya, **Trade openness and economic growth: a cross country empirical investigation**, Journal of Development Economics, 72, 2003, 57-89.
15. Harrison, Ann, **Openness and Growth: A Time Series Cross country Analysis for Developing countries**, J. of Development Economics, Vol. 48, 1996.

16. Lucas, **on the Mechanics of Economic Development**, J. of Monetary Economics, No. 22, 1998.
17. Nowak- Lehman, Felicitas, **Trade policy and its Impact on Economic Growth: Can openness speed up output Growth?**  
<http://www.iai.wiwi.unigoettingen.de/content/pdf/iai-db75.pdf>, 2000.
18. Rebelo (1991) , **Long- Run policy Analysis and long- Run Growth**, J. of political Economy, No. 99, 1997.
19. Salvatore, Dominic, **International trade policies, Industrialization and Economic Development**, The International Trade Journal, Vol. 10, No. 1, spring, 1990.
20. Wacziarg, Romain, **Measuring the Dynamic Gains form Trade**. World Bank working paper, 1998.
21. **World Development Indicators** (2005) , WDI.